

بررسی تطبیقی سیاست‌های فرهنگی ایوبیان و ممالیک در مراکز آموزشی بیت المقدس

نسیم فرهمند^۱، فاطمه جان احمدی^۲

چکیده

بحران مشروعیت وجه مشترک میان صلاح‌الدین و حکومت ممالیک بحری بود؛ ازاین‌رو هم دو حکومت برای کسب مشروعیت در یک مورد مشابه هم عمل کردند و آن سیاست‌های فرهنگی‌شان در مراکز آموزشی بیت المقدس بود. هم صلاح‌الدین ایوبی و هم ممالیک بحری هزینه‌های زیادی در مراکز آموزشی بیت المقدس نمودند و نتیجه آن تأسیس مدارس متعدد در بیت المقدس بود که در جایگاه رسانه‌ای تبلیغی می‌توانست بخش مهمی از بحران مشروعیتی آن‌ها را برطرف نماید؛ اما وجه این سیاست‌های فرهنگی میان این دو دوره چندان یکسان نبود؛ ازاین‌رو این مقاله به دنبال بررسی این پرسش اصلی است که سیاست‌های فرهنگی ایوبیان و ممالیک بحری در مراکز آموزشی بیت المقدس چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی داشت. بر اساس یافته‌های این پژوهش، بهره‌مندی از ارتباط پیوسته با خلافت در زمان صلاح‌الدین سبب شد سیاست‌های فرهنگی در بیت المقدس بخشی از برنامه او برای بحران مشروعیت باشد؛ ولی رقابت آنها با ایلخانان و از بین رفتن خلافت عباسی در زمان ممالیک سبب شد تا آنها سرمایه‌گذاری بیشتری در مراکز آموزشی بیت المقدس داشته باشند. روش نیل به این نتیجه تطبیقی بوده و در این روش هم متغیرهای پژوهش و هم زمینه‌های متغیرها مورد بررسی قرار گرفته‌اند؛ ازاین‌رو روش این مقاله تطبیقی بافت‌محور است.

کلیدواژه‌ها: ایوبیان، ممالیک، سیاست‌های فرهنگی، مراکز آموزشی، بیت المقدس.

۱. دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. پست الکترونیک: n.farahmand@modares.ac.ir

۲. استاد گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) پست الکترونیک: f.janahmadi@modares.ac.ir

مقدمه

حکومت صلاح‌الدین ایوبی در ابتدا با بحران مشروعیتی جدی مواجه بود؛ زیرا سلطان خودخوانده مصر یکی از سرداران خرد اتابکان زنگی بود که در اواخر عمر نورالدین محمود زنگی بر وی شوریده بود. مهم‌ترین حاکم شام و مصر که از نظر مشروعیتی می‌توانست حاکم ماترک نورالدین باشد، فرزند وی، الملک الصالح بود؛ اما صغر سن او مانعی بزرگ برای این امر بود. در نتیجه این فرصت برای صلاح‌الدین و سایر سرداران زنگی فراهم شد تا با استفاده از این موقعیت برای تسلط بر قلمرو بزرگ زنگی با یکدیگر رقابت نمایند. عدم اصالت خانوادگی، عدم انتساب به خاندان سلجوقی و شورش علیه زنگیان مهم‌ترین تهدیداتی بودند که صلاح‌الدین را با بحران مشروعیتی مواجه می‌کردند. هرچند که در نهایت صلاح‌الدین توانست با داشتن دست بالا صلحی را به باقی مانده زنگیان در شام و جزیره تحمیل کند؛ در افکار عمومی جهان اسلام در مقام فردی شناخته شد که به جای مبارزه با صلیبیان با مسلمانان می‌جنگد. از این رو، صلاح‌الدین خصوصاً پس از بازپس‌گیری بیت‌المقدس تلاش زیادی نمود تا با سیاست‌های فرهنگی خود در قبال مراکز آموزشی بیت‌المقدس هم‌فراهمی خود را نمایان کند و هم خود را هم‌ردیف سلطان خوشنام نورالدین زنگی قرار دهد. رهاورد این سیاست فرهنگی در بیت‌المقدس تأسیس مراکز آموزشی مانند مدارس علمیه از جمله مدرسه صلاحیه و خانقاه‌هایی مانند الناصریه بود. هم‌زمان صلاح‌الدین دیپلماسی فعالی را با خلافت عباسی در پیش گرفت و برای همه فعالیت‌های نظامی و فرهنگی خود به دنبال تأیید گرفتن از خلیفه بغداد بود. فعالیت‌های صلاح‌الدین سبب شد تا مشروعیت کافی برای خاندان ایوبی فراهم شده و اخلاف وی مانند او در تلاش برای سرمایه‌گذاری‌های مالی در مراکز آموزشی بیت‌المقدس نبودند.

بعد از ایوبیان بردگان نظامی آنها، ممالیک، به قدرت رسیدند که از جهات مختلف بیش از صلاح‌الدین با بحران مشروعیتی مواجه بودند. پیش از هر چیز آنها بردگانی بودند که از

اصالت نژادی، پیوند با سلاطین، مناصب درباری مانند اتابکی و سایر موارد مشروعیت بخشی محروم بودند. اضطراب حمله مغول و دفع کفار در مقطعی واقعیتی مشروعیت بخش برای آنها بود؛ اما با ایجاد توازن سیاسی میان ایلخانان و ممالیک، مسلمان شدن مغولان اردوی زرین در روسیه و از بین رفتن نهاد خلافت جهت تأمین مشروعیت حکومت، ممالیک بحری با مشکلی جدی‌تر از صلاح‌الدین در زمینه مشروعیت سیاسی مواجه شدند. تنها مورد پیشروی آنها مقابله با کفار مغول و صلیبی بود؛ از این رو وجهه دینی غزا می‌توانست تا حد زیادی این بحران را کمتر کند. نظر به اهمیت بیت‌المقدس در جهان اسلام و اهمیت نمادینی که طی سال‌ها از ابتدای جنگ‌های صلیبی برای این شهر به وجود آمده بود، سرمایه‌گذاری فرهنگی و اتخاذ سیاست‌هایی در قبال مراکز آموزشی این شهر مؤثرترین رویکرد برای تأمین مشروعیتی به شمار می‌رفت. از این رو، ممالیک به خصوص ممالیک بحری در سیاست‌های مشروعیت بخش خود، سیاست‌های فرهنگی مشابه با سیاست‌های صلاح‌الدین ایوبی در بیت‌المقدس اتخاذ کردند. در حالی که از نظر زمانی تقریباً ۸۰ سال میان آن‌ها اختلاف زمانی وجود داشت؛ اما رفتاری مشابه را می‌توان در سیاست‌های فرهنگی آن‌ها مشاهده نمود. بر این اساس این مقاله به دنبال پاسخ به این پرسش اصلی است که:

سیاست‌های فرهنگی ایوبیان و ممالیک بحری در مراکز آموزشی بیت‌المقدس چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی داشت؟

فرضیه این تحقیق این است که بحران مشروعیت سبب شباهت رفتارهای صلاح‌الدین و ممالیک بود؛ اما زمینه‌های متفاوت در این سیاست‌های فرهنگی تفاوت‌هایی ایجاد کرد.

روش آزمون این فرضیه تطبیقی بوده و در این روش هم متغیرهای پژوهش و هم زمینه‌های متغیرها مورد بررسی قرار گرفته‌اند. از تعداد مدارس و میزان توجه سلاطین به این مراکز آموزشی میزان اهمیت سیاست‌های فرهنگی آن‌ها فهم می‌شود پس از آن داده‌های به دست آمده مقایسه می‌شود. از آنجایی که کنش تاریخی در زمینه‌ای رخ می‌دهد زمینه‌های این سیاست‌های فرهنگی به منزله عامل اشتراک و تفاوت نیز بررسی می‌شود؛ از این رو در بخش

توصیف و مقایسه این پژوهش از روش تطبیقی (Comperativ study) استفاده می‌کند. در بخش بررسی زمینه‌ها روش پژوهش بافت‌محور (Contextual) است.

منابعی که می‌توان از آن‌ها داده‌ای تاریخ فرهنگی را استخراج کرد غالباً منابع تاریخ سیاسی نیستند. خوشبختانه در زمینه مورد بررسی این پژوهش منابع جغرافیایی و منابعی که اختصاصاً به تاریخ مدارس پرداخته‌اند متعدد هستند. از جمله آن‌ها می‌توان به این منابع اشاره کرد: خطط شام تألیف محمد کرد علی (ت ۱۳۷۲ هـ) الدر اس فی تاریخ المدارس تألیف عبدالقادر محمد بن نعیمی دمشقی (۸۴۵-۹۷۸)، نه‌ایة الإرب فی فنون تألیف شهاب‌الدین احمد نویری (۶۷۷-۷۳۲ هـ) حسن المحاضرة تألیف عبدالرحمن سیوطی (۸۴۹-۹۱۱ هـ). هرچند این منابع برای صلاح‌الدین و ممالیک بحری منبع دست دوم محسوب می‌شوند، اطلاعات نسبتاً دقیق و بنیادینی از آنها حاصل می‌شود که در مقایسه با منابع دست اول می‌توان آنها را تدقیق کرده و منابع دیگری مانند سلوک لمعرفة الدول الملوک تألیف احمد بن علی مقریزی (۷۶۶-۸۴۵) یا صبح الاعشی فی صناعه الانشا تألیف أحمد بن علی بن احمد الفزاری قلقشندی (۷۵۶-۸۲۱) آن داده‌ها را تأیید می‌کنند. در این نوع گردآوری حب و بغض منابع دست اول بر داده‌های مراکز آموزشی تأثیری نداشته است و می‌توان به این داده‌ها اعتماد کرد. این پژوهش دو متغیر سیاست‌های فرهنگی (متغیر مستقل) و مشروعیت سیاسی (متغیر وابسته) را مورد بررسی قرار می‌دهد. از این رو، مقالاتی که این متغیر یا یکی از متغیرهای مرتبط به این پژوهش را مورد بررسی قرار داده‌اند در پیشینه پژوهش نقد و بررسی شده‌اند. در این زمینه پژوهش‌های متعددی صورت گرفته، اما چند مورد از آنها از نظر علمی قابلیت استناد یا نوآوری علمی دارند. شفائی‌پور، آقاجری و جان احمدی (۱۳۹۹) به روابط میان فقها و ممالیک درباره مسئله مشروعیت پرداخته‌اند؛ اما این پژوهش بیشتر به اشخاص نظر دارد تا مراکز دینی و از نظر روشی با مقاله حاضر متفاوت است. مقاله دیگر تألیف برودبریج (۲۰۰۱) به خوبی به مسئله دین در مشروعیت ممالیک در برابر ایلخانان توجه داشته؛ اما به استنادات سیاسی و دیپلماتیک ممالیک در برابر ایلخانان اکتفا کرده و به نقش مدارس نمی‌پردازد. رهبری (۱۳۹۵) تعامل ممالیک با فقهای مذاهب چهارگانه را مورد بررسی قرار داده، ولی این

تعامل را در زمینه‌های سیاسی مورد بررسی قرار نداده و بیشتر به روند تعامل میان مذاهب اربعه و سلاطین می‌پردازد. هرچند نویسنده در ابتدا بیان می‌کند که این تعامل برای تأمین مشروعیت بوده، اما مطالب اندکی در این زمینه آورده است. اروجی و رضایی (۱۳۹۴) بادقت به تأثیر نقش خلافت در تقابلات مشروعیت بیبرس با غازان خان پرداخته‌اند؛ اما از آنجا که در این زمان مدارس اندکی ساخته شد، این مقاله تأثیر مدارس بر تحکیم مشروعیت دینی ممالیک را بررسی نکرده است.

بحران مشروعیتی صلاح‌الدین ایوبی

در روند تاریخی مقابله با صلیبیان، اتابکان زنگی توانستند تا حد زیادی حکومت‌های اسلامی شام و مصر را متحد کرده و توازن قوا را به نفع مسلمانان تغییر دهند. مرگ ناگهانی نورالدین محمود زنگی (ابن اثیر، ۱۳۶۸: ۴۰۲/۱۱) و صغر سن فرزند وی سبب شد تا مدعیان قدرت از داخل حکومت آنها مانند سرداران نظامی و برادرزاده‌های جزیره‌نشین نورالدین برای رسیدن به قدرت تلاش بیت‌المقدس وقفه‌ای انجام دهند که نتیجه آن ضعف، ازهم‌پاشیدگی حکومت زنگیان بود. (محمدی، ۱۴۰۱: ۸۱) در این میان صلاح‌الدین ایوبی یکی از مدعیان قدرت بود که ابتدا به بهانه حمایت از جانشینی فرزند نورالدین وارد عرصه رقابت قدرت شد. (ابن‌واصل، ۱۳۸۳: ۵/۲)

صلاح‌الدین پیش از عزیمت به شام با گروه‌های قدرت متعددی در شام و جزیره مواجه بود نخست امرای دمشق که فرزند نورالدین را در اختیار نداشتند؛ ولی داعیه قدرت داشتند. (ابن‌واصل، ۱۳۸۳: ۲۶/۲-۲۷) دوم حکومت حلب که فرزند نورالدین در آنجا ساکن بود و نیابت از او حکومت می‌کرد. (ابن اثیر، بی‌تا: ۱۷۶) سوم زنگیان جزیره که متمرکزترین قدرت زنگیان را تشکیل داده و به خاطر اقطاع جزیره از قدرت اقتصادی قابل توجهی برخوردار بودند. دسته آخر رقیبی جدی برای صلاح‌الدین بود و سلطان ایوبی از همان ابتدا به این امر آگاه بود. در روند مبارزه با باقی مانده زنگیان صلاح‌الدین هرچند به سرعت دمشق را با دیپلماسی با خود همراه کرد، اما به دلیل توان نظامی زنگیان جزیره که در حلب نیز اعمال نفوذ می‌کردند هرگز نتوانست

جزیره را به قهر تصرف نماید؛ بنابراین از همان ابتدا سرپرستی فرزند نورالدین و جهاد علیه صلیبیان را به عنوان عامل مشروعیت خود در برابر زنگیان دانست. هنگامی که سیف‌الدین غازی بن مودود بن عمادالدین زنگی جزیره را در سال ۵۶۹ تسخیر کرد، صلاح‌الدین در نامه‌ای اعتماد نورالدین به را سبب مشروعیت خود در برابر برادرزادگان نورالدین دانست و آنها را متهم کرد که برای قدرت خود جنگ با صلیبیان را کنار گذاشته‌اند. (ابوشامه، ۱۹۹۷: ۳۲۴/۲) همین ترک جهاد علیه صلیبیان خرده‌ای بود که صلاح‌الدین به امرای دمشق گرفت و آنها را برای صلح با صلیبیان سرزنش کرد. (ابن‌واصل، ۱۳۸۳: ۱۱/۲) در حالی که خود او چند مرحله از همراهی با نورالدین در برای مقابله با صلیبیان سرباز زده بود. علاوه بر آن صلاح‌الدین برای زنگیان استدلال کرده بود اگر نورالدین به برادرزاده‌های خود اعتماد بیشتری داشت آنها را به حکومت مصر منصوب می‌کرد. (ابوشامه، ۱۹۹۷: ۳۲۴/۲) در حالی که اساساً انتخاب صلاح‌الدین امری بود که توسط فاطمیان صورت گرفت و نورالدین به صورت ضمنی وزارت او را پذیرفت. با افزایش تنش میان نورالدین و صلاح‌الدین سلطان شام برای خلع صلاح‌الدین به مصر حرکت کرد و مرگ ناگهانی او مانع از سرنگونی صلاح‌الدین شد.

هرچند صلاح‌الدین اینگونه تلاش کرده بود که مشروعیت خود را برای تسلط بر ماترک زنگیان افزایش دهد؛ در عمل پشوانه‌ای در مصر نداشت، زیرا در سرکوب‌های شدیدی که علیه طرفداران فاطمیان انجام داده بود (محمدی، ۱۴۰۲: ۴۶) هم توان نظامی اندکی داشت و هم نیروهای مصری از او پشتیبانی نمی‌کردند. نیروهای کرد و ترکی که با او از شما به مصر آمده بودند نیز به قدری نبود که سیطره نظامی او را بر باقی مانده زنگیان تثبیت کنند. (محمدی، ۱۴۰۲: ۴۷) گذشته از این دو، صلاح‌الدین از خاندانی درخشان نبود که بلافاصله حکومت او پذیرفته شود. ورود ایوبیان به عرصه قدرت با پناه دادن به عمادالدین زنگی در سال ۵۲۷ آغاز شد. (ابن‌اثیر، ۱۳۶۸: ۶/۱۱، رانسیمان، ۱۳۸۶: ۲۳/۲، طقوش، ۱۳۸۰: ۱۰؛ و عاشور، ۱۳۷۰: ۲۴۱) حال اینکه اربابان زنگی آنها منتسب به سلجوقیان بوده و لقب اتابکی و حکومت جزیره و شام را به واسطه روابط حسنه نزدیک با سلطان محمود سلجوقی گرفته بودند. (ابن‌عمرانی، ۲۰۰۱: ۲۱۶؛ ابن‌اثیر، بی‌تا: ۲۹)

ایوبیان دربار زنگیان در بهترین حالت سرداران نظامی مانند اسدالدین شیرکوه بودند که با مرگ وی زمینه برای به قدرت رسیدن صلاح‌الدین فراهم شد. در صورتی که اسدالدین زنده بود جایگاهی برابر با سایر سرداران زنگی داشت. ازاین‌رو، صلاح‌الدین که در زمان عموی خود فردی شناخته شده نبود هنگامی که با مساعدت شرایط، حکومت را به دست گرفت از مشروعیت چندانی برخوردار نبود. داعیان قدرت در مصر و شام و حتی قدرت‌های فرمانطقه‌ای مانند خلافت عباسی از این امر آگاه بودند و البته خود صلاح‌الدین بر این موضوع اشراف داشت؛ ازاین‌رو برای کسب مشروعیت کافی برای تأسیس سلطنت ایوبی چند مرحله در پیش رو داشت. نخست باید قوای زنگی را تابع خود می‌کرد، زیرا بدون تبعیت آن‌ها نه امنیت کافی برای حکومت در مصر داشت و دوم اینکه توانایی مقابله با صلیبیان را نداشت (محمدی، ۱۴۰۲: ۴۹). دومین مرحله مشروعیت وی جهاد علیه صلیبیان بود. این مسئله شاید مهم‌ترین عنصر مشروعیت بخشی به حکومت نوپای ایوبیان بود. اهمیت این مرحله برای صلاح‌الدین را می‌توان از چند قرینه تاریخی به خوبی دریافت. نخست زمانی که وی در صدد مطیع کردن زنگیان جزیره است به دلیل طولانی شدن درگیرهایش با مسلمانان، به صراحت منابع تاریخی از کم شدن وجهه‌گذاری خود در برابر صلیبیان نزد مسلمانان احساس خطر می‌کرد (ابن‌اثیر، ۱۳۷۱: ۲۹، ۲۸ و ۳۹). در سال ۵۷۶ هنگامی که صلاح‌الدین برای تسلط بر دژ کیفا با عرصه رقابت با قلیچ ارسلان دوم در مورد حمایت از قرا ارسلان بن سکمان بن ارتق وارد می‌شود سفیر قلیچ ارسلان مؤکداً به صلاح‌الدین یاد آوری کرد که جنگ با قلیچ ارسلان در حالی که با صلیبیان صلح کرده به وجه او ضرر می‌زند. (ابن‌واصل، ۱۳۸۳: ۱۱۴/۲) بحران مشروعیت صلاح‌الدین تنها در مورد سلجوقیان روم صادق نبود. صلاح‌الدین به دلیل جنگ‌های مکرر با خاندان خوشنام زنگیان در شام و جزیره از سوی مسلمانان لعن می‌شد، خصوصاً برای رد کردن درخواست زن‌های امیران زنگی برای صلح (ابن‌اثیر، ۱۳۶۸: ۴۳۵/۱) در مقابله با زنگیان صلاح‌الدین به این مسئله متهم شد که جهاد با صلیبیان را رها کرده و با مسلمانان خوشنام زنگی می‌جنگد. شاید ابن‌واصل بدین سبب در تاریخ‌نگاری خود که مکرر از کشتن اسیران صلیبی به دست صلاح‌الدین و قوای ایوبی یاد می‌کند که عصبیت

آن‌ها را در برابر صلیبیان بیشتر نشان دهد. در صورتی که ابن‌اثیر، وابسته به زنگیان است و رویکرد مثبت ابن‌واصل به ایوبیان را ندارد از سیاست‌های نظامی صلاح‌الدین پس از پیروزی حطین به صراحت انتقاد می‌کند مخصوصاً در آزاد گذاردن اسیران صلیبی که منجر به تجمع آن‌ها در عکا شد. (ابن‌اثیر، ۱۳۷۱: ۲۹/۲۲۶) فارغ از گرایش‌های این دو مورخ واقعیت تاریخی این است که صلاح‌الدین برای نیل به پیروزی‌های زودرس در قبال صلیبیان سیاست‌های اشتباهی در پیش گرفت که بعداً دردسرهایی جدی هم برای او هم برای مسلمانان شام ایجاد کرد. (محمدی، ۱۴۰۲: ۵۰) چندان که بیان خواهد شد هرچند صلاح‌الدین تلاش نمود که تمام افتخار پیروزی حطین را برای خود مصادره کرده و مشروعیت کافی را از این راه استحصال کند؛ هم برای حکومت‌های معاصر او و هم در منابع تاریخی این نکته آشکار است که این پیروزی‌های تنها با اتحاد با قوای زنگیان جزیره و قوای نوریه برای او فراهم شد. (ابن‌واصل، ۱۳۸۳: ۱۶۸/۲)

سیاست‌های فرهنگی صلاح‌الدین ایوبی در مدارس بیت‌المقدس

برخی حکام شام و مصر عصر جنگ‌های صلیبی، روش خواجه نظام‌الملک را در پیش گرفته و از نهضت فکری، علمی و احیاء تسنن که او پس از آل بویه آغاز کرده بود، برای تثبیت جایگاه سیاسی خود و کم‌رنگ کردن تأثیر اسماعیلیه نزاری و فاطمی پیروی کردند. هرچند بر اساس پژوهش‌های انجام شده در این مقطع زمانی شام اکثریت امامی مذهب داشت، (زمانی محبوب، بادکوبه هزاه، ۱۳۹۱: ۹۳ - ۱۱۰) اما از آنجایی که همگرایی امامیه با اهل سنت بیشتر از روابط آنها با فاطمیان و اسماعیلیان بود (Mohamadi, Khakrand, 2023: 65) و پس از امامیه اهل سنت اکثریت جمعیت شام را دارا بودند این کار، سبب افزایش مشروعیت سیاسی آن‌ها شد. یکی از شاخص‌ترین این افراد نورالدین محمود زنگی بود. موقوفات و مدارس که وی در دمشق ساخت باعث اعجاب و تحسین ابن‌جبیر شد. (ابن‌جبیر، ۱۹۹۹: ۲۴۱)

به نظر برخی محققان میزان علاقه صلاح‌الدین ایوبی به ویژه به توسعه تحصیلات دینی به ویژه در بیت‌المقدس و به‌طور کلی در قلمرو ایوبی و مصر و تأسیس و گسترش مدارس به دلیل

گسترش عقاید اهل سنت و مقابله با عقاید اسماعیلیان بود؛ (العناقره، ۲۰۲۱: ۲۰۱) هرچند دولت فاطمی به دست سلطان صلاح‌الدین یوسف بن ایوب منقرض شد و او تلاش بسیاری کرد تا عقاید اسماعیلی را از سرزمین مصر منسوخ کند؛ اما زمان تأسیس مدرسه صلاحیه با دوران پرآشوب ابتدای حکومت صلاح‌الدین تطبیق ندارد. بخش مهمی از شورش‌های فاطمی در ابتدای حکومت او سرکوب شد و پس از آن اقدام جدی از سوی طرفداران فاطمی برای خدشه وارد کردن بر مشروعیت حکومت ایوبی صورت نگرفت. با این حال می‌توان کم‌کردن نفوذ فاطمیان در شام با استفاده از مدارس اهل سنت بیت‌المقدس را یکی از اهداف تأسیس مدرسه شاخص صلاحیه دانست. پیش از صلاح‌الدین نیز ملک عادل نورالدین محمود بن زنگی در دمشق و حلب و حومه آن چندین مدرسه برای شافعیه و حنفیه بنا کرد و برای هر یک از دو فرقه در شهر مصر مدرسه‌ای ساخت. (المقریزی، ۱۴۲۲: ۴۳۷/۳) از گزارش مقریزی مشخص است که او چقدر تحت تأثیر فعالیت‌های نورالدین قرار گرفته است. هرچند از نظر زمانی الخطط منبعی دست دوم محسوب می‌شود؛ اما از گزارش او با در نظر گرفتن درصدی اشتباه و اغراق می‌توان حقیقتی یافت که مدارس اهل سنت برای زنگیان کارکرد خوبی داشتند. برای ایوبیانی که بعد از زنگیان بودند و سلجوقیانی که قبل از زنگیان بودند، گسترش عقاید اهل سنت و اقدام به ساخت مدارس مسئله مهمی در تأمین مشروعیت بود. از این رو، در یک رویکرد اثبات‌گرایی می‌توان این توالی هم‌سنخ سلجوقی، زنگی، ایوبی را تعمیم داده و قاعده‌ای علمی از آن استخراج کرد. موضع سنی که ایوبیان اتخاذ کردند با حمایت زیاد آن‌ها از مخدومان ارشد خود برای افزایش تعداد مدارس در شام، بیت‌المقدس، جزیره و مصر همراه بود. (م.ت. هوتسما و دیگران، ۱۹۹۸: ۱۱۹۱/۴؛ و بیطار، ۱۹۸۱: ۲۰۳-۲۰۱)

با این حال، تلاش صلاح‌الدین ایوبی در ساخت مدارس و استفاده از الگوی سلجوقیان بیشتر در مصر خود را نشان می‌دهد. تعداد مدرسی که در مصر و قاهره تأسیس شد به بیست و چهار مدرسه رسید و مقریزی به همه آن‌ها اشاره کرد. (المقریزی، ۱۴۲۲: ۳۴۳-۴۷۶) با توجه به اینکه زنگیان تلاش پیگیری در توسعه مدارس در شام داشتند و عمده زمینه‌ای که برای کسب مشروعیت از طریق مدارس دینی برای صلاح‌الدین فراهم بود، مناطقی بود که توسط زنگیان

مدارسی در آن تأسیس نشده بود. از این رو، مصر که محل تولد حکومت سنی ایوبیان بود، ظرفیت زیادی برای توسعه مدارس داشت. از سوی دیگر زنگیان با همه مجاهدت‌های خود در برابر صلیبیان نتوانستند بیت المقدس را تصرف کنند. این مهم به دست صلاح‌الدین رقم خورد و سلطان ایوبی از خلأ مدارس علمی در این شهر مهم مذهبی استفاده کرد تا با تأسیس مدرسه مهم صلاحیه اثر تبلیغاتی خود را در کسب مشروعیت از رویکرد دینی افزایش دهد. بر اساس گزارش دست‌اول عمادالدین اصفهانی، صلاح‌الدین چینیسی دقیق برای مراسم دینی پس از بازپس‌گیری بیت المقدس داشت تا بیشترین تأثیر را داشته باشد. مؤید مصداقی آن تعداد علما، نویسندگان، فقها، صوفیانی است که به بیت المقدس آمدند و در جشن آزادسازی شرکت کردند. افرادی چون قاضی عماد اصفهانی، ابن شداد، قاضی ابوالمعالی محمدبن علی القرشی (متوفی سال ۵۹۸ ق)، ابوالحسن زین‌الدین علی بن ابراهیم بن نجا الواعظ (متوفی سال ۵۹۹ یا سال ۶۰۰ هجری قمری).

صلاح‌الدین پس از بازپس‌گیری بیت المقدس مجلس بزرگی برپا کرد. وی در آن مجلس پس از نشست با اهل علمای و صالحین، مدرسه صلاحیه و خانقاه صلاحیه را تأسیس نمود و مدرسه را به فقهای شافعی و رباط را به صلحا و صوفیان اختصاص داد و موقوفات بسیاری برای آن‌ها وقف نمود. همچنان که در مسئله روابط با امامیه بیان شد، صلاح‌الدین با هدف کسب بیشترین مشروعیت، ترتیبی داد تا در مدارس سایر فرقه‌ها نیز حضور یابد و به علما و محصلان، بخشایش‌های زیادی نمود. صلاح‌الدین به خوبی می‌دانست که بازپس‌گیری بیت المقدس چقدر برای او می‌تواند راهگشا باشد. با این حال مورخان این فعالیت‌های صلاح‌الدین را به خاطر علم و خدا و انگیزه‌های دینی او ذکر کرده‌اند. (کاتب اصفهانی، ۱۳۰۵: ۱۴۵؛ ابن خلکان، ۱۹۹۴: ۲۰۷/۱؛ ابن اثیر، ۱۳۶۸: ۱۱، ص ۵۵۳ و ۱۲، ص ۸۷؛ ابن جوزی، ۱۹۵۱: ۵۹۲/۸؛ مقریزی، ۱۹۵۶: ۲۱۲/۱؛ السیوطی، ۱۹۸۴: ۲۷۲/۱-۲۷۳؛ و علیمی، ۱۹۹۹: ۴۷۴/۱)

بازپس‌گیری بیت المقدس مسئله کوچکی نبود و صلاح‌الدین به خوبی از آن آگاه بود هرچند برای این آزادسازی مدیون تلاش‌های سلف خود عمادالدین و نورالدین محمود زنگی بود. با این حال صلاح‌الدین از اهمیت این فتح به خوبی آگاه بود و تلاش نمود از نظر دیپلماسی

و مشروعیتی از آن بهره‌برداری کافی کند. از این رو، کتاب‌ها و خطبه‌های بسیاری در رسای آزادی بیت‌المقدس تألیف شد. این تألیفات از یک سو در مشروعیت و وجاهت ایوبیان تأثیر داشت از سوی دیگر تأثیر عمده‌ای بر حرکت علمی و ادبی بیت‌المقدس داشت. چندان که پیرامون صلاح‌الدین و فتوحات او خصوصاً در مورد بیت‌المقدس نهضت ادبی پررونقی را پدید آمد که تأثیر آن به بیت‌المقدس محدود نشد و در سایر ممالک اسلامی نمود پیدا کرد. این یک پدیده ادبی پیشرفته از نظر کمی و کیفی بود که شاعران، وعاظ و نویسندگان زیادی در آن شرکت داشتند.

مدارس علمی که در بیت‌المقدس ساخته شد و صلّه‌ای که به علما پرداخته می‌شد در اشعاری که در ستایش صلاح‌الدین و پیروزی‌های او سروده شد نیز تجلی دارد. شاعران متعددی در این باره به شعرسرایی پرداخته‌اند که از آن جمله می‌توان به عماد اصفهانی، ابن ساعاتی، ابن سنا الملک، حکیم ابوالفضل عبدالمنعم، نجم‌الدین یوسف بن حسین بن مجاور، ابن منیر طرابلسی و رشیدبن بدر نابلسی اشاره کرد. این حجم از شاعرانی که به مدح صلاح‌الدین پرداخته و در فتوحات او اغراق کرده و آشکارا و ضمنی به مدارس علمی بیت‌المقدس در رأس آن مدرسه صلاحیه پرداخته‌اند را می‌توان بخشی از تلاش‌های تبلیغاتی صلاح‌الدین برای کسب مشروعیت دانست؛ زیرا شعر در جهان عرب قرون میانه مهم‌ترین رسانه محسوب می‌شد. اغراق در حمایت‌های علمی صلاح‌الدین از مراکز دینی و مدارس علمیه به حدی در منابع دست‌اول انعکاس دارد که در پژوهش‌های جهان عرب نیز به صورت هیجانی تجلی پیدا کرده است: مدارس افتتاح شد، مساجد تأسیس شد و تعداد زیادی حمام، بیمارستان، زاویه و رباط برای زائرانی ساخته شد که از کشورهای مختلف می‌آمدند. حرم شریف، به شکوه و معماری خود بازگردانده شده و راه‌ها، کانال‌های آب و آب‌انبارها ساخته شد و صحن و راهروهای آن به منزلهٔ مدرسه برای تحصیل علوم مختلف مورد استفاده قرار گرفت که طلاب از کشورهای مختلف به آنجا می‌آمدند. (الدباغ، ۱۹۹۱: ۲۱۰/۹-۲۰۴)

مطابق با سنت قرون میانه با تلاش سلطان برای حرکت علمی زیردستان او به انگیزه‌های مختلف از جمله تقرب جستن به او از کارهای سلطان تقلید کرده و اقدام به بنای مدارس

می نمودند. امری که در دوران ممالیک نیز به شدت مشاهده می شود. مدرسه میمونیه توسط امیر، فارس الدین ابوسعید میمون بن عبدالله قسری، خزانه دار صلاح الدین تأسیس شد. امیر حسام الدین حسین بن شرف الدین عیسی جراحی، مدرسه جراحیه را تأسیس کرد که دارای موقوفات زیاد و عملکرد منظمی بود. (علیمی، ۱۹۹۹؛ ۱۰/۲؛ العارف، ۲۰۰۵: ۳۷۳)

افزون بر هزینه هایی که صلاح الدین صرف تشویق علمان می کرد، مقادیر زیادی صرف مسائل عمرانی مراکز علمی بیت المقدس کرد، زیرا از یک سو به دنبال تأمین امنیت شهر بود که همواره در معرض تهدید صلیبیان بود و از سوی دیگر باید اماکنی برای اهل علم ساخته می شد. این توجه به مسائل عمرانی سبب رونق بیشتر حرکت علمی بیت المقدس شد. مؤید زمینه ای این حرکت علمی ترمیم برج و باروی شهر و ساخت مراکز علمی است که مهم ترین آن مدرسه صلاحیه است.

با توجه به توضیحات فوق می توان مهم ترین سیاست فرهنگی صلاح الدین ایوبی را در مراکز آموزشی بیت المقدس چنین خلاصه کرد: صلاح الدین ایوبی برای کسب مشروعیت کافی برای تأسیس سلطنت ایوبی چند مرحله در پیش رو داشت. نخست باید قوای زنگی را تابع خود می کرد؛ زیرا بدون تبعیت آن ها نه امنیت کافی برای حکومت در مصر داشت و نه توانایی مقابله با صلیبیان را. دومین مرحله مشروعیت وی جهاد علیه صلیبیان بود. این مسئله شاید مهم ترین عنصر مشروعیت بخشی به حکومت نوپای ایوبیان بود. صلاح الدین نیز احتمالاً از این واقعیت آگاه بود که «سلطه و غلبه بر کفار» مشروعیت کافی را برای او فراهم می کند. مرحله سوم کسب مشروعیت برای صلاح الدین ایوبی استفاده از نهاد دین و مؤسسات دینی مانند مدارس علمیه بود. سرعت تأسیس مراکز دینی مانند مدارس علمیه و اجتماعات دینی مانند مجالس تلاوت قرآن و حدیث، پس از فتح بیت المقدس چندان زیاد بود که نمی توان آن را صرف خودانگیختگی اجتماعی تعبیر کرد. هرچند بنا بر صراحت منابع دست اول، صلاح الدین در تعداد زیادی از این مجالس حاضر بود و تعدادی از مراکز دینی مانند مدرسه صلاحیه به دستور وی ساخته شد. از این رو، تقریباً می توان مطمئن بود که صلاح الدین از تأسیس این مراکز دینی و تشکیل این اجتماعات دینی مقصود خاصی داشت. مقصود

خاص صلاح‌الدین هنگامی بیشتر مشخص می‌شود که وی گزارش تمامی فعالیت‌های دینی انجام شده در بیت‌المقدس را از طریق عمادالدین کاتب اصفهانی به بغداد.

به نظر می‌رسد میزان علاقه صلاح‌الدین ایوبی به ویژه به توسعه تحصیلات دینی به ویژه در بیت‌المقدس و به طور کلی در قلمرو ایوبی و مصر و تأسیس و گسترش مدارس به دلیل گسترش عقاید اهل سنت و مقابله با عقاید اسماعیلیان بود. با این حال می‌توان کم کردن نفوذ فاطمیان در شام با استفاده از مدارس اهل سنت بیت‌المقدس را یکی از اهداف تأسیس مدرسه شاخص صلاحیه دانست. برای ایوبیانی که بعد از زنگیان بودند و سلجوقیانی که قبل از زنگیان بودند، گسترش عقاید اهل سنت و اقدام به ساخت مدارس مسئله مهمی در تأمین مشروعیت بود. از این رو، در یک رویکرد اثبات‌گرایی می‌توان این توالی هم‌سنخ سلجوقی، زنگی، ایوبی را تعمیم داده و قاعده‌ای علمی از آن استخراج کرد. موضع سنی که ایوبیان اتخاذ کردند با حمایت زیاد آن‌ها از مخدومان ارشد خود برای افزایش تعداد مدارس در شام، بیت‌المقدس، جزیره و مصر همراه بود. با توجه به اینکه زنگیان تلاش پیگیری در توسعه مدارس در شام داشتند و عمده زمینه‌ای که برای کسب مشروعیت از طریق مدارس دینی برای صلاح‌الدین فراهم بود، مناطقی بود که توسط زنگیان مدرسی در آن تأسیس نشده بود؛ از این رو مصر که محل تولد حکومت سنی ایوبیان بود ظرفیت زیادی برای توسعه مدارس داشت. از سوی دیگر زنگیان با همه مجاهدت‌های خود در برابر صلیبیان نتوانستند بیت‌المقدس را تصرف کنند. این مهم به دست صلاح‌الدین رقم خود و سلطان ایوبی از خلأ مدارس علمی در این شهر مهم مذهبی استفاده کرد تا با تأسیس مدرسه مهم صلاحیه اثر تبلیغاتی خود را در کسب مشروعیت از رویکرد دینی افزایش دهد.

بحران مشروعیت ممالیک، ابعاد داخلی

هرچند در طول تاریخ اسلام مبانی مشروعیتی حکومت‌ها تابعی از شرایط بوده و متناسب با شرایط تغییر کرد؛ به قدرت رسیدن ممالیک در شرایطی صورت گرفت که جنبه‌های عمل‌گرایانه بر نگاهی ایدئولوژی و سنتی غلبه داشت. پیش از ممالیک زنگیان از مشروعیت

اقطاع‌داری سلجوقی به قدرت رسیدند و جامعه شام تشنه قدرت آنها برای مقابله با صلیبیان بود. (محمدی، ۱۴۰۱: ۱۴۵) با توسعه قدرت زنگیان در زمان نورالدین محمود و جاهت دینی او (ابن قاضی شهبه، ۱۹۷۱: ۳۱) مشروعیت زنگیان کاملاً تثبیت شده بود و نخبگان نظامی (بارکر، بی تا: ۴۹) و نخبگان مذهبی به طور کامل با آنها همراه بودند. این مشروعیت تا حدی بود که صلاح‌الدین در برابر باقی مانده زنگیان در شام دچار مشکلات متعدد بود؛ اما اصالت آزاد آن‌ها و صدمات آن‌ها به زنگیان سبب شد تا به تدریج مشروعیت کافی را کسب نمایند در این روند بازپس‌گیری بیت المقدس و جنگ علیه صلیبیان به آن‌ها مشروعیتی بیشتری داد، اما ممالیک از همه این‌ها محروم بودند. با این حال با ازمیان رفتن خوارزمشاهیان به دست مغولان کافر و رسیدن آن‌ها به مرزهای بغداد و هم‌زمان این وقایع با ضعف شدید ایوبیان سبب شد تا کودتای ممالیک علیه اربابان ایوبی خود به سرعت پذیرفته شود، زیرا ایوبیان نه تنها در برابر مغولان ضعیف بودند که توانایی مقابله با تهاجمات صلیبیان را نیز نداشتند. انشقاق ایوبیان و رقابت اخلاف صلاح‌الدین در شام و مصر بیشترین تأثیر را در این ضعف داشت. بدین ترتیب با بحران هر روزه از سوی کفار مغول و کفار صلیبی نیاز به حکومتی اسلامی به هر نوع آن برای مقابله با کفار بیشتر احساس می‌شد. از این رو، زمانی که شجرالدین قدرت را به ممالیک منتقل کرده و پس از آن آیبیک به قدرت رسید واکنش چندانی از سوی مسلمانان تحت حکومت آن‌ها رخ نداد. با پیروزی سیف‌الدین قطز در برابر مغولان در عین الجالوت کارایی این سلسله از بردگان بیشتر مشخص شد. این کارایی سبب شد تا فتاوای علما در مورد آن‌ها تغییر کرده و دال بر پذیرش این حکومت نخواستگی باشد. ابن تیمیه بر اساس روایتی منسوب به پیامبر مبنی بر یک سال با امام جائر بهتر از یک شب بدون سلطان بودن (ابن تیمیه، ۱۴۱۸: ۱۲۹) وجود ممالیک را تأیید کرد؛ هرچند که ممالیک بعداً ثابت کردند که از نظر دینی چندان می‌توانند نظر علما را جلب کنند که جائر محسوب نشوند. تأمین امنیت مسلمانان در برابر کفار از دست مایه‌های دیگر تأیید حکومت بردگان بود. (ابن تیمیه، ۱۴۱۸: ۲۰) بدین ترتیب مفتی بانفوذ شام، بر اساس شرایط ممالیک را تأیید کرده و حتی به مخالفت با قریشی بودن امام پرداخت (همان: ۴۰). ابن تیمیه صراحتاً در این نگاه خود جهاد

علیه مغول را مدنظر دارد و مردم را به اطاعت از ممالیک فرامی‌خواند. (ابن تیمیه، ۱۴۱۸: ۷۶) این جماعه نیز بر اساس شرایط جامعه مجبور بود با واقعیت‌های سیاسی سازش کند. (شفائی‌پور، آقاجری و جان احمدی، ۱۳۹۹: ۹۰) او معتقد بود قدرت به خودی خود آفریننده و منبع اقتدار مشروع است. جاهل یا فاسق امام قهریه، از اعتبار حکومت او نمی‌کاهد. (ابن جماعه، ۱۹۸۵: ۵۵) با توجه به این حجم از حمایت اولیه از ممالیک در ابتدای تأسیس حکومت آن‌ها و خلأ‌مبانی مشروعیتی دیگر طبیعی بود که ممالیک تنها وجه مشروعیت خود را مورد توجه قرار داده و برای تأمین بیشتر آن تلاش کنند. آنچه به عنوان عامل زمینه‌ای این مشروعیت داخلی را تقویت می‌کرد، ناامنی‌های شرق بود. بخشی از آن با موج اول مهاجم مغول آغاز شده بود که تعداد زیادی از علما و مشاهیر شرق راهی شام، مصر و آناتولی شدند. موج‌های بعدی پناهندگان شرقی جهان اسلام که عمدتاً از نخبگان دینی بودند - هرچند که در مورد مهاجرت مردم عادی گزارش‌های اندکی وجود دارد - با رسیدن لشکر هولاکو، تسخیر بغداد و پس از آن یورش‌های تیمور ایجاد شد. پیروان اهل سنت در این زمان مأمونی تثبیت شده به نام ممالیک داشتند؛ از این رو از ایران و سایر نواحی شرقی جهان اسلام افرادی به سرزمین ممالیک می‌آمدند و در آن جا به تأسیس مدارس اقدام می‌کردند. (علیمی، ۱۹۹۹: ۲، ص ۱۹۰-۳۷۸؛ عسلی، ۱۹۸۲: ۱۸۴) به گونه‌ای که با افزایش ناامنی‌های ناشی از یورش‌های تیمور تعداد زیادی از ایرانیان به قلمرو ممالیک وارد شده و ۵ مدرسه از سال ۷۴۱ الی ۷۸۱ در بیت‌المقدس تأسیس کردند. (علیمی، ۱۹۹۹: ۷۶/۲ و ۸۳ و ۸۴ و ۹۱ و ۹۳؛ ابن فرات، ۱۹۳۸: ۲۹۲/۹؛ ابن شهبه، ۱۹۹۴: ۲۲۷/۱؛ عسلی، ۱۹۸۱: ۲۰۰ و ۲۱۹ و ۲۲۹ و ۲۳۳؛ عارف، ۲۰۰۵: ۳۸۹ و ۳۹۱؛ رائف، ۱۹۸۳: ۲۲۷ و ۲۴۰؛ یعقوب، ۱۹۹۹: ۳۰۶/۲ و ۳۰۷ و ۳۳۴ و ۳۴۳)^۱

افرادی که در این مدارس تحصیل کردند و از جمله مشاهیر دینی دوره ممالیک شدند (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۹۷) خود دلیلی بر مشروع بودن سلاطین مملوک شدند. بدین ترتیب واضح است که قلمرو ممالیک نه تنها مأمونی برای فراریان شرقی است، بلکه سلاطین مملوک توانسته

۱. مدارس ملکیه (۷۴۱) محدثیه (۷۶۲) کیلانیه (۷۵۳) فارسیه (۷۵۵) حنبلیه (۷۸۱) جزو مدارس هستند که توسط ایرانیان تأسیس شده‌اند.

بودند گفتمانی را ایجاد کنند که مشروعیت خود را توسعه دهند. این گفتمان در تأسیس مراکز دینی مانند مدارس متجلی است؛ زیرا تعدادی از مدارس بیت المقدس توسط این پناهجویان ساخته شده بود. بدین ترتیب با تأسیس هر مدرسه توسط پناهجویانشان سلاطین مملوک به عنوان سلطان اسلام افزایش پیدا می کرد، آن هم در زمانی که رقبای جدیدی همچون امیر تیمور و بایزید ایلدرم در همسایگی آنها وجود داشت.

بحران مشروعیت خارجی و رویکرد ممالیک برای تأسیس مدارس

تا به امروز محققان داخلی و خارجی مفصلاً به این موضوع پرداخته اند که سلاطین اولیه مملوک، حکومت خود را از طریق استفاده آگاهانه از نمادهای اسلامی مانند وقف، (ابن دقماق، ۱۹۹۹: ۴۳؛ ابن خلدون، ۱۹۸۸: ۵۴۹/۱؛ القحطانی، ۱۹۹۴: ۲۸؛ و الحجی، ۱۴۱۲: ۱۴۹) مدارس، علما و مساجد (القلقشندی، ۱۹۲۰: ۴۱۷/۳؛ علیمی، ۱۹۹۹: ۹۹/۲-۱۴۹؛ العارف، ۲۰۰۵: ۳۱۳-۳۲۷) مشروعیت بخشیده اند. با این حال، هنوز یک موضوع مهم که به طور معمول به آن پرداخته نشده است، اما نقص عمده این پژوهش ها در این است که مشروعیتی که ممالیک از مراکز دینی به دنبال آن بودند تنها برای مسائل داخلی مورد بررسی قرار داده اند. مهم ترین مخاطبان این تلاش های دینی در داخل حکومت ممالیک، نخبگان نظامی و نخبگان دینی بودند که اولی اساس سیاست و قدرت را ناپایدار می کرد و دومی توان این را داشت که علیه قدرت آنها ثبات داخلی را بر هم زند. با این حال باید به این نکته نیز توجه شود که مشروعیت ممالیک در پرتو ارتباطات خارجی نیز بوده است که مهم ترین آنها، فرمانروایان مغول بودند که در ایران علیه و در اردوی زرین غالباً له ممالیک موضوع گیری می کردند. هر دوی این سلسله های مغولی ارتباط نزدیکی با ممالیک داشتند. ایلخانان در تخاصم دائمی با ممالیک بودند؛ زیرا از نگاه مغولی، آنها - حتی پس از آنکه مسلمان شدند - مبتنی بر این بود که همه مردم جهان یا باید «ایل» - تابع - آنها باشند یا دشمن آنها هستند.

این یک واقعیت شناخته شده است که صرف نظر از علل واقعی اجتماعی و اقتصادی فتوحات مغول، انگیزه چنگیزخان برای توسعه نظامی، مبتنی بر دستوری بود که از آسمان

دریافت کرده بود (آسمان یا خدای آسمان همان تنگری در تاریخ سری مغول است). جانشینان چنگیز در مشروعیت آسمانی از او تبعیت کردند و این موضوع سیاسی-مذهبی را بیشتر توسعه دادند. این مسئله را به خوبی می‌توان از تعدادی فرمان‌های امپراتوری و نامه‌های رسمی که به پاپ و پادشاهان اروپا به خوبی می‌توان فهمید که توسط وزیر مغولان در قراقرم، چین و ایران صادر شده بود. علاوه بر آن منابع متعدد خطی و ادبی مربوط به حاکمان مغول را می‌توان یافت که دکترین سیاسی متقدم دوره چنگیزخان را بازسازی کرده‌اند (Rachewiltz, 1973: 165) همین مسئله در روابط اردوی زرین و ایلخانان با ممالیک نیز صادق است.

چنگیزخان و اخلافش خود را به عنوان یک سلسله مورد تأیید الهی می‌دیدند که اعضای آن قرار بود از طریق برخورداری از عنایت ویژه که توسط خدای برتر تنگری اعطا شده بود، بر کل جهان حکومت کنند. (بی‌نا: ۱۳۸۳: ۲۳) در چنین بستر ایدئولوژیکی، هر حاکم مستقلی که قصد حفظ استقلال خود را داشت، نه تنها علیه خاندان چنگیزخان، بلکه بدتر از آن، علیه اراده آسمان نیز شورشی بود. کشتار بی‌رحمانه این شورشیان (مردمی که در برابر مغولان مقاومت می‌کردند) ضروری و خوب بود، زیرا هم اراده الهی را اجرا می‌کرد و هم درسی عالی برای سایر شورشیان بالقوه بود. مغول‌ها علاوه بر این ایدئولوژی روشن، سازش‌ناپذیر و جهان‌شمول حاکمیت، نوآوری‌هایی در مفاهیم مشروعیتی به همراه آوردند که از جمله آنها می‌توان به معرفی مجموعه‌ای از قوانین و احکام بسیار مهمی بود که توسط خود چنگیزخان، با نام یاسا صادر شد. یاسا نقش مهمی در مشروعیت بخشیدن به ایدئولوژی چه در طول دوره اولیه مغول و چه پس از آن ایفا کرد. (BROADBRIDGE, 2001: 92)

از این رو، طبق کار ویژه‌ای که برای موج دوم فتوحات مغول در ایران برای هولاکو مطرح شده بود، تصرف شام و مصر یکی از اهداف مهم مغولان بود که در نبرد عین الجالوت ناکام ماند و پس از آن رویارویی دائمی میان ممالیک و ایلخانان پدید آمد که گاه به صورت نبرد جلوه‌گر بود و غالباً به صورت صلحی مصلح روابط میان آن‌ها را شکل می‌داد. از سوی دیگر اردوی زرین سرزمین‌هایی را در اختیار داشت منبع تأمین برده مورد نیاز دائمی ممالیک بود (دشت‌های قبیچاق). همچنین به دلیل تخاصم دائمی اردوی زرین با ایلخانان به طور طبیعی به متحدی

بالقوه برای ممالیک تبدیل می‌شد. در چنین شرایطی تلاش ممالیک برای توسعه مراکز دینی و تأمین مشروعیت خود از طریق دین در راستای مشروعیت بخشی به خود در جهت اتحاد با اردوی زرین و شخصیت بخشی به خود در برابر ایلخانان معنا پیدا می‌کرد.

این مسئله تا حدی مورد توجه برخی پژوهشگران بوده است؛ (فرهمند، تاج بخش، ۱۳۸۹: ۸۵-۱۰۱؛ پرگاری، محمدی، ۱۳۹۱: ۱۵۳-۱۷۲؛ عباسی، محمدی، ۱۳۹۰: ۴۹-۷۰؛ و رضوی، کریمی پور، شاهرخ، ۱۳۹۱: ۸۳-۱۰۶) اما روند مدرسه سازی در حکومت مملوک از جهت مناسبات خارجی مرکز توجه محققان حتی خبرگان علمی مانند استیفن هیدمان (۱۹۹۴) آن اف. برودبریج (۲۰۰۱) و ویلفرد مادلونگ (۱۹۹۵) نیز قرار نگرفته است.

در دوره بیبرس خلیفه تازه پیدا شده از بغداد مقداری از این مشروعیت دینی از سوی خلیفه تأمین می‌شد که خصوصاً در برابر سفرای اولیه اردوی زرین کارکرد خود را نشان داد، (ابن عبدالظاهر، ۱۹۹۶: ۱۱-۱۲) اما با استقرار ثبات در روابط بیبرس با برکه (ابن عبدالظاهر، ۱۹۹۶: ۱۴-۱۵) تأثیر خلافت در این روابط نیز کمتر شد. چندان که در زمان ورود سفرای بعدی اردوی زرین نه خبری از ملاقات با خلیفه در منابع آمده است و نه خبری از اعطای لباس فتوت به ایلچی‌ها است. (ابن عبدالظاهر، ۱۹۹۶: ۱۴-۱۵) بدین ترتیب می‌توان روابط حسنه بیبرس با اردوی زرین را تابعی از مناسبات یاسایی - با ایل شدن تلویحی بیبرس و مشروعیت اسلامی دانست. تلاش‌های بیبرس در زمینه مدرسه سازی اندک بود، چندان که تنها در دوره او یک مدرسه تأسیس شد. (علیمی، ۱۹۹۹: ۲، ص ۹۱؛ عسلی، ۱۹۸۱: ۳۱۵-۳۱۷؛ العارف، ۲۰۰۵: ۳۷۷) با این حال موقوفات متعددی که در زمان او به وجود آمد توانست زمینه اقتصادی کافی برای توسعه مدارس و مراکز دینی در زمان سلاطین بعدی را فراهم آورد. برای مشروعیت داخلی بیبرس، موقوفات به اندازه کافی می‌توانست نیاز او را برای مقبولیت نخبگان دینی تأمین کند و پیروزی‌های مکرر او در برابر صلیبیان او را در جایگاه سلطانی غازی هم مورد تأیید نخبگان دینی قرار می‌داد و هم با تأمین غنیمت و اعطای اقطاع جدید نخبگان نظامی را راضی نگه می‌داشت. با این حال این نکته نیز قابل توجه است که در دوره سلطنت الملک الظاهر بیبرس (۶۵۸-۶۷۸) غالباً مصادف با دوره ایلخانان کافر در ایران است. این

خود برای تأمین مشروعیت او کافی بود؛ هرچند که خواستگاه بردگی او در روابطش با اردوی زرین و ایلخانان مشکلی بود که بیبرس تلاش داشت با بازدارندگی نظامی و دیپلماسی مبتنی بر شریعت آن را پوشش دهد.

با مسلمان شدن ایلخانان در دوره غازان هرچند که مسلمانی در برابر مسلمان دیگر قرار می‌گرفت؛ اما همچنان گفتمان غالب در دیپلماسی مملوکی - ایلخانی مبتنی بر یاسا بود. این امر در نامه‌های برکه و جانشینان وی به سلطان مملوک بیبرس مشهود است. (الیونینی، ۱۹۹۲: ۱۹۷/۲) با این حال از نظر مشروعیت دینی اکنون رقیبی در برابر ممالیک ظاهر شد که دیگر نمی‌شد با استناد به کفر او مشروعیت حکومت مصر و شام را تأمین کرد. با توجه به نقیصه پیشینه بردگی سلاطین مملوک پس از بیبرس توجه بیشتری به نهادهای دینی از جمله مدارس از سوی سلاطین مملوک مبذول شد. این توجه با بسامد بالای توسعه و تأسیس مدارس دینی در شام به خصوص بیت‌المقدس همراه است. از این رو، می‌توان از مسئله همزمانی تقریبی بحران مشروعیت مملوکان در برابر ایلخانان توسعه مدارس را ناشی از تلاش بیشتر ممالیک برای توسعه مشروعیت خود در برابر رقیب قدرتمند مغول تازه‌مسلمان دانست. این توسعه مدارس در زمان سلطان الناصر محمد بن قلاوون و پس از او در زمان فرزند او الناصر ناصرالدین حسن بن ناصر محمد بن قلاوون به خوبی قابل توجه است. هرچند که حکومت تازه‌مسلمان ایلخانی مراکزی برای دانشمندان مسلمان فراهم کرد؛ (Welch, 1985: 49; Allsen, 1996: 17) اما تلاش‌های دینی ممالیک در برابر ایلخانان چندان بیشتر بود که مرکزیت دینی به خصوص مرکزیت اهل سنت را برای آن‌ها تثبیت کرد. این مرکزیت دینی منحصر به مراکز شرعی نبود؛ بلکه ممالیک به جریان‌های مختلف اسلامی مانند صوفیان (علیمی، ۱۹۹۹: ۷۹/۲-۱۰۰؛ و عسلی، ۱۹۸۱: ۳۶۸-۳۱۵) متشرعان (عزالدین، ۱۴۱۰: ۱۶-۲۲؛ و الحجی، ۱۴۱۲: ۱۷۹-۱۸۱) و اهل فتوت نیز توجه ویژه داشتند. (TALHAMY, 2010: 177) این مسئله به ویژه از تعداد مراکز اهل تصوف و اخبار زیاد اهل فتوت در دوره آنها مشهود است.

در سراسر دوره کفر ایلخانان ممالیک مشروعیت دینی خود علیه آنها استفاده می‌کرد. طبیعی بود که مسلمان شدن خانان ایران رقیبی در مشروعیت دینی آن‌ها ایجاد کرده و مضافاً

اینکه مشروعیت یاسایی ایلخانان که گفتمان زمانه آن روز بود، برتری‌ای بود که ممالیک از آن برخوردار نبودند. با این اوصاف در طی دوره مسلمانی ایلخانان، عموماً مناسبات طرفین به صورت مسالمت‌آمیز پیش رفت، اما مسلمانی ایلخانان (دست‌کم در دوره غازان خان مقتدرترین ایلخان مسلمان) بهره‌گیری از سیاست‌هایی دینی علیه رقیب را کم‌رنگ نکرد و همانند ممالیک، حکومت ایلخانی نیز درصدد استفاده از مشروعیت دینی علیه رقیب به‌ویژه ممالیک و اردوی زرین برآمد. این در حالی بود که حکومت مملوکی با سابقه دورتر و درخشان‌تر در زمینه مسلمانی، غازان را به فرصت‌طلبی و تأمین اهداف سیاسی و اقتصادی خویش در پرتو مسلمانی متهم می‌نمود. (رضوی، کرمی‌پور، شاهرخی، ۱۳۹۱: ۸۴)

سیاست فرهنگی ممالیک

همانطور که گفته شد ممالیک در شرایطی بر سریر قدرت تکیه زدند که سرزمین‌های اسلامی مورد هجوم دو خطر بزرگ صلیبیان و مغولان بود. آن‌ها از ضعف ایوبیان استفاده کردند و به‌عنوان نیرویی تازه‌نفس قدرت را در میراث منفک ایوبی در دست گیرند. نظر به این ضعف ایوبیان و ناامنی که از اختلافات داخلی آن‌ها به وجود می‌آمد، شورش بردگان ایوبیان که منجر به تأسیس سلسله ممالیک شد از جانب علما مورد تأیید قرار گرفت. مضافاً آنکه با ترک‌تازی‌های مغول در شرق جهان اسلام و سپس از بین بردن خلافت عباسی وجود نیرویی قدرتمند برای مقابله با این کافران صحرانورد به شدت احساس می‌شد؛ از این رو هرچند ممالیک بر اساس هیچ‌کدام از مبانی مشروعیت اسلامی اعم از استخلاف، قریشی بودن، انتساب به سلسله‌های باستانی و... پایگاهی نداشتند؛ اما کارکرد آن‌ها در شرایط آن زمان مهم‌ترین عامل مشروعیت آنها بود. با این حال، این نقیصه در مشروعیت ممالیک سبب شد تا در رقابت دائمی با ایلخانان و سپس تیموریان، جایگاه پایینی داشته باشند. از این رو، تنها مسئله‌ای که می‌توانست مشروعیت ممالیک را تأیید کند، مذهب و از طریق نهادهای مذهبی بود. یکی از تلاش‌های مهم ممالیک که به سرعت هم کم‌رنگ و سپس محو شد، تلاش برای اعاده خلافت عباسی بود. غیر از خلافت به‌منزله منبع مشروعیت، علما می‌توانستند ابزار مهمی برای تأیید مشروعیت ممالیک باشند. از این رو، مناسبات ممالیک با نهاد مذهب

به‌ویژه در دوره ممالیک بحری بسیار فعال بود. یکی از مصادیق مهم این تعامل فعالیت ممالیک در تأسیس و توسعه مراکز علمی و دینی و توجه به اماکن مقدس اسلامی بود تا از این‌ره‌آورد بتوانند جایگاه خود را در مقام وارثان حکومت اسلامی تثبیت نمایند. بسامد بالای مدارس و موقوفات مسئله‌ای است که در زمینه سیاسی و بحران‌های مشروعیتی ممالیک به خوبی معنادار می‌شود.

با مسلمان شدن ایلخانان تعداد مدارس هم افزایش می‌یابند. ایلخانان هم مشروعیت مغولی داشتند و حال مشروعیت اسلامی نیز پیدا کردند؛ اما برای ممالیکی که برده بودند و از ترکان دشت قبیچاق به شمار می‌رفتند نه شرافت خونی قریشی - عرب و... و نه شرافت باستانی ایرانی و نه آزادگی را نداشتند. از این‌رو، سرزمین مادری آن‌ها که در دشت‌های قبیچاق تحت تسلط مغولان بود و گفتمان مشروعیت مغولی بر نیمی از سرزمین‌های اسلامی جاری بود، سبب شد تا ممالیک رویکردی مذهبی و فقهی بیشتری را در قبال رقبای خود در پیش گیرند. از یک سو توجه آن‌ها به خلیفه عباسی و مراکز مقدس مانند بیت‌المقدس و حرمین شریفین در این راستا معنادار می‌شود و از سوی دیگر توسعه مدارس در برهه‌ای بیشتر شد که سلاطین مملوک مانند سلطان الناصر محمد بن قلاوون و پسرش ناصر ناصرالدین حسن بن ناصر محمد بن قلاوون با بحران مشروعیتی بیشتری در برابر ایلخانان وارث یاسا و مسلمان مواجه بودند.

بیت‌المقدس برای ممالیک اهمیت زیادی داشت چندان که برای ایوبیان نیز همین‌طور بود. اساس جنگ‌های صلیبی پیرامون بیت‌المقدس شکل گرفته بود و برای مسیحیان اهمیت تام و تمامی داشت ولو در ظاهر. برای مسلمانان که ذهنیت ابتدایی صلیبیان را نداشتند و با انگیزه‌های جنگ‌های صلیبی آشنا نبودند، بیت‌المقدس زمانی اهمیت پیدا کرد که دیدند این شهر مقدس برای افرنج کافر اهمیت ویژه‌ای دارد در حالی که پس از حرمین شریفین سومین حرم مسلمانان بود. با تصرف این شهر به دست صلیبیان عواطف مسلمانان بیش از آنکه برای کشتارهای معرکه انطاکیه و یا طرابلس تحریک شود برای بیت‌المقدس برانگیخته شد. این امر از واکنش آن‌ها به سخنان ابی‌سعد الهروی در بغداد کاملاً مشهود است؛

(ابن اثیر، ۱۳۸۶: ۲۸۴/۱۰) هرچند که می‌تواند به میزانی توسط ابن‌اثیر بزرگ‌نمایی شده باش؛ با این حال از شهرهای دیگر اسلامی صحبتی به میان نیامد و در نگاه مورخان مسلمان اهمیت بیت‌المقدس بیش از سایر شهرها بود. ازاین‌رو، صلاح‌الدین ایوبی پس از فتح این شهر از آن استفاده زیادی نمود تا مشروعیت خود را تکمیل کند. بدین ترتیب سلاطین مسلمانی که بیت‌المقدس را در اختیار داشتند از این شهر به‌مثابه سمبل مقاومت علیه صلیبیان استفاده کردند و برای آن‌ها مشروعیت زیادی به همراه داشت. ازاین‌رو، ممالیک نیز به بیت‌المقدس توجه زیادی داشتند. از آن جایی که بیت‌المقدس اهمیت دینی داشت و تنها گزینه مشروعیتی ممالیک ابعاد دینی بود، در این دوره به بیت‌المقدس و بنای آثار دینی همچون مدارس به آن توجه ویژه‌ای شد. در دوره ممالیک تعداد ۳۳ مدرسه در قلمرو آن‌ها - به‌غیر از بیت‌المقدس - بنا شد. از این تعداد ۸ مدرسه در حلب (کرد علی، ۱۹۸۳: ۱۰۲/۶-۱۱۶) ۱۶ مدرسه در دمشق (نعیمی، ۱۹۸۸: ۱۱۳/۱، ۱۱۸، ۱۷۴، ۱۷۷، ۱۹۰، ۲۰۷، ۲۵۲، ۳۲۴، ۳۲۶، ۳۵۸، ۳۶۵، ۳۷۴، ۳۸۱، ۳۹۷، ۴۱۸، ۴۲۸، ۴۳۴، ۴۴۳ و ۴۴۹ و ۶/۲، ۹۴) و ۹ مدرسه در مصر در دوره ممالیک بحری ساخته شد (نویری، بی‌تا: ۳۰، ص ۹۳؛ سیوطی، ۱۹۶۷: ۲، ص ۲۶۴، ۲۶۵؛ و مقریزی، ۱۹۹۷: ۲۳۰/۴، ۲۴۹، ۲۵۷ و ۲۸۸) با اضافه کردن ۲۶ مدرسه‌ای که در بیت‌المقدس ساخته شد، ۵۹ مدرسه در دوره ممالیک بحری در قلمرو آن‌ها ساخته شد که از کل این تعداد بیش از ۴۴ درصد مدارس دوره ممالیک بحری در بیت‌المقدس ساخته شد. اگرچه شهرهای حلب و دمشق و مصر از دوره زنگیان و ایوبیان مدارس اهل سنت در آنها ساخته شده بود و این انباشتی از مدارس اهل سنت را در اختیار ممالیک قرار داده بود؛ باید توجه کرد که بیت‌المقدس مورد توجه ایوبیان نیز بود، هرچند این شهر در اختیار زنگیان نبود، از زمان بازپس‌گیری در ۵۸۳ مدارس متعددی در آن ساخته شد. (عسلی، ۱۹۸۱: ۵۴، ۱۰۰، ۱۰۴، ۱۱۶، ۲۷۲، ۲۸۱؛ علیمی، ۱۹۹۹: ۷۶/۲، ۸۹، ۹۷، ۹۹، ۱۰۰؛ و عبدالمهدی، ۱۹۸۱: ۱۸۱/۱، ۳۳۶، ۳۴۰، ۳۵۱، ۳۵۶، ۳۹۴، ۳۹۷، ۳۹۹)

نتیجه‌گیری

بحران مشروعیتی وجه مشترک متغیرهای این مقاله برای اعمال سیاست‌های فرهنگی در بیت‌المقدس است؛ هرچند هر دو سلسله از سیاست‌های فرهنگی برای کسب مشروعیت بهره‌برداری کردند، اما تفاوت‌های عمده‌ای در رویکردهای آن‌ها وجود داشت. ایوبیان با تأکید بر گسترش عقاید اهل سنت و مقابله با نفوذ اسماعیلیان، سعی در تثبیت مشروعیت دینی خود داشتند و در این راه با کمک گرفتن از مشروعیت بخشی خلافت و با اتکا بر ازبین بردن خلافت فاطمی، بخش مهمی از بحران مشروعیتی خود را برطرف کردند. مهم‌ترین رقیب آن‌ها زنگیان بودند. مقابله پیروزمندانه با صلیبیان، دیپلماسی فعال با بغداد و گرفتن تأیید از خلیفه و در نهایت اعمال سیاست‌های فرهنگی منسجم و پرهزینه در بیت‌المقدس سبب شد تا رقیب زنگی ایوبیان بعد از سال ۵۸۵ عرصه‌ای برای به چالش کشیدن بنیان مشروعیتی حکومت صلاح‌الدین نداشته باشد. از این رو، سیاست‌های فرهنگی که صلاح‌الدین در بیت‌المقدس انجام داد اگرچه پرهزینه بود، نتایج رضایت‌بخشی را به دنبال داشت. از این رو، جانشینان صلاح‌الدین نیازی به ادامه این سیاست‌های پرهزینه در این ابعاد گسترده ندیدند. در نتیجه سیاست‌های پویای فرهنگی در مراکز آموزشی بیت‌المقدس محدود به زمان صلاح‌الدین شد.

در مقابل، ممالیک با بهره‌گیری از حمایت علما و تأسیس مدارس و مراکز دینی، تلاش کردند تا مشروعیت خود را در برابر تهدیدات خارجی و داخلی حفظ کنند آنچه مشروعیت ممالیک را تأمین می‌کرد، واقعیت خطر فراگیر برای جامعه اسلامی شام و مصر بود؛ اما این خطر بعد از مدتی و با همراهی علمای شرق اسلامی خود به حمایت از علمای اسلام پرداخته و مضافاً آنکه در گفتمان مشروعیتی تازه مبنی بر یاسا برتر از ممالیک بود. از این رو، ممالیک رقابت طولانی‌مدتی برای کسب مشروعیت سیاسی با ایلخانان را آغاز کردند. آن‌ها همچون ایوبیان و صلاح‌الدین از مشروعیت ناشی از مراکز آموزشی با مرکزیت بیت‌المقدس بهره بردند؛ اما به دلیل رقابت طولانی‌مدت با ایلخانان تعداد مدارس بیشتری نیز در بیت‌المقدس ساختند. این استمرار سیاست‌های فرهنگی در بیت‌المقدس با هزینه‌های مداوم نیز همراه بود که بخش مهمی از آن‌ها از طریق موقوفات تأمین می‌شد. در نتیجه نظام وقف در دوره ممالیک

بحری رشد بیشتری هم در کمیت و هم در کیفیت یافت؛ بنابراین می‌توان گفت که هر دو سلسله با توجه به شرایط و نیازهای زمان خود، از نهادهای آموزشی و دینی به مثابه ابزاری برای کسب و تثبیت مشروعیت استفاده کردند، اما تفاوت‌های اساسی در اهداف و رویکردهای آن‌ها مشهود است. ایوبیان بیشتر بر مقابله با نفوذ مخالفان مذهبی تمرکز داشتند، در حالی که ممالیک به دنبال جلب حمایت علما و تثبیت جایگاه خود در جایگاه حاکمان اسلامی بودند. ایوبیان مدت زمان کمتری با بحران مشروعیت مواجه بودند، در نتیجه مدت زمان کمتری به سرمایه‌گذاری فرهنگی پرداختند؛ در حالی که استمرار بحران مشروعیت برای ممالیک سرمایه‌گذاری ممتدی را می‌طلبید.



منابع

- ابن اثیر، ابوالحسن علی بن محمد بن محمد بن عبدالکریم شیبانی جزری. (۱۳۶۸).
الکامل فی التاریخ. جلد ۱۰، ۱۱، ۱۲. بیروت: دار صادر.
- ابن اثیر، ابوالحسن علی بن محمد بن محمد بن عبدالکریم شیبانی جزری. (۱۳۷۱). کامل تاریخ
بزرگ اسلام و ایران. مترجم ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی. تهران: مؤسسه مطبوعاتی علمی.
- ابن اثیر، ابوالحسن علی بن محمد بن محمد بن عبدالکریم شیبانی جزری. (بی تا). التاریخ الباهر
فی الدوله الاتابکیه بالموصل. حقیق عبدالقادر احمد طلیمات. قاهره: دارالکتب الحدیثه.
- ابن بطوطه. (۱۳۷۶). سفرنامه ابن بطوطه. چاپ ششم. ترجمه دکتر محمد علی موحد.
جلد ۱. تهران: سپهر نقش.
- ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم. (۱۴۱۸). السیاسة الشرعية فی اصلاح الراعی و الرعیة.
الطبعة الأولى. المملكة العربية السعودية: وزارة الشؤون الإسلامية والأوقاف والدعوة والإرشاد.
- ابن جبیر، محمد بن أحمد. (۱۹۹۹). رحلة ابن جبیر. بیروت: دار و مكتبة الهلال.
- ابن جماعه، بدرالدین. (۱۹۸۵). تحریر الاحکام فی تدبیر اهل الاسلام. قطر: [بی نا].
- ابن جوزی، شمس الدین یوسف. (۱۹۵۱). مرأة الزمان فی تاریخ الأعیان. الطبعة الأولى.
جلد ۸. حیدرآباد الدکن - الهند: مطبعة مجلس دائرة المعارف العثمانية.
- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد بن محمد. (۱۹۸۸). دیوان المبتدأ والخبر فی تاریخ
العرب والبربر ومن عاصرهم من ذوی الشأن اکبر. محقق خلیل شحاده. الطبعة الثانية.
جلد ۱. بیروت: دارالفکر.
- ابن خلکان، ابوالعباس شمس الدین احمد بن شهاب الدین محمد بن ابراهیم. (۱۹۹۴).
وفیات الأعیان و انباء ابناء الزمان. تحقیق احسان عباس، جلد ۴، ۷. بیروت: دارالصادر.
- ابن دقماق، ابراهیم بن محمد بن ایدمر العلائی. (۱۹۹۹). نزه الانام فی تاریخ اسلام.
صیدا. بیروت: المكتبة العصرية.
- ابن عبدالظاهر، عبدالله. (۱۹۹۶). الروضة البهیة الزاهرة فی خطط المعربة القاهرة. جلد ۱.

قاهره: مکتبه الدار العربیه للکتاب.

- ابن عمرانی، م. (۲۰۰۱). الإبناء فی تاریخ الخلفاء. تحقیق قاسم السامرائی. قاهره: دارالآفاق العربیه.
- ابن فرات. (۱۹۸۲). تاریخ ابن الفران. جلد ۹. جزء ۲. بیروت: چاپ قسطنطین زریق و نجلا عزالدین.
- ابن قاضی شهبه، بدرالدین. (۱۹۹۴). تاریخ ابنقاضی شهبه. جلد ۱. دمشق: چاپ عدنان درویش.
- ابن قاضی شهبه، بدرالدین. (۱۹۷۱). الکواکب الدریه فی السیره النوریه الریح السلطان نورالدین محمود زکی. تحقیق محمود زاید. بیروت: دارالکتب الجدید.
- ابن کثیر: إسماعیل بن عمر القرشی. (۱۹۰۰). البداية والنهاية. جلد ۱۳. بیروت: مکتبه المعارف.
- ابن واصل. (۱۳۸۳). تاریخ ایوبیان. ترجمه پرویز اتابکی. تهران: علمی و فرهنگی.
- ابوشامه، عبدالرحمن بن اسماعیل مقدسی دمشقی (۱۹۹۱). عیون الروضتین فی اخبار الدولتین النوریه و الصلاحیه. تصحیح ابراهیم الزریق. بیروت: مؤسسه الرساله.
- اروجی، فاطمه، و محمد رضایی. (بهار ۱۳۹۴). «تأثیرات احیای خلافت در مصر بر موضع گیری مذهبی غازان خان». فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء. شماره ۲۵.
- بارکر، ارنست. (بی تا). الحروب الصلیبیه. ترجمه سید الباز العرینی. بیروت: دارالنهضة العربیه.
- بی نا. (۱۳۸۳). تاریخ سری مغولان «یوان چائویی شه». محقق پل پلیو و شیرین بیانی. تهران: دانشگاه تهران.
- بیطار، امینه. (۱۹۸۱). تاریخ العصر الیعقوبی. دمشق: دارالطباعه الحدیثه.
- پرگاری، صالح، و مریم محمدی. (پاییز ۱۳۹۱). «نقش دین در روابط سیاسی - نظامی خانات قپچاق و ایلخانان». تاریخ و تمدن اسلامی. شماره ۲. ص ۱۵۳-۱۷۲.
- الحجی، حیاه ناصر. (۱۴۱۲). صور من الحضاره العربیه الاسلامیه فی سلطنه الممالیک. الكويت: دارالقلم.

- الدباغ، مصطفی مراد. (۱۹۹۱). بلادنا فلسطين في بيت المقدس. جلد ۹. بیروت: دارالهدی.
- رانیسمان، استیون. (۱۳۸۶). تاریخ جنگ‌های صلیبی. ترجمه منوچهر کاشف. جلد ۳. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- رائف، یوسف نجم، عبدالمهدی، عبدالجلیل، المنتشه، السید یوسف (۱۹۸۳). کنوز القدس. قم: مؤسسه آل‌البیت.
- رضوی، سید ابوالفضل، حمید کرمی پور، و علاء‌الدین شاهرخی. (۱۳۹۱). «مساله ممالیک در سیاست خارجی عهد غازان». فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌نامه تاریخ اسلام. شماره ۸. ص ۸۳-۱۰۶.
- رهبری، نسرین. (بهار ۱۳۹۵). «بررسی تعاملات ممالیک با مذاهب اربعه». فصلنامه علمی - تخصصی فرهنگ پژوهش. شماره ۲۵. ص ۱۰۳-۱۱۸.
- زمانی محجوب، حبیب، و احمد بادکوبه هزاوه. (پاییز ۱۳۹۱). «بررسی وضعیت شیعیان در حلب عهد بنی مرداس». مطالعات تاریخ اسلام. ۴ (۱۴): ۹۳-۱۱۰.
- سیوطی، شمس‌الدین محمد بن احمد بن علی بن عبدالخالق. (۱۹۸۴). إتحاف الأخصا بفصائل المسجد الأقصى. المحقق: د/ أحمد رمضان أحمد. جلد ۱. قاهره: هیئة المصرية العامة للکتب.
- سیوطی، عبدالرحمن. (۱۹۶۷). حسن المحاضرة. تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم. الطبعة الاولى. جلد ۲. بیروت: دارالاحیاء الکتب العربی. عیسی البابی و شرکا.
- شفائی پور، محبوبه، هاشم آقاجری، و فاطمه جان احمدی. (بهار ۱۳۹۹). «مناسبات سلاطین و فقها در دوره مملوکان مصر». شماره ۲۲. ص ۸۵-۱۰۶.
- طقوش، محمد سهیل. (۱۳۸۰). دولت ایوبیان. مترجم عبدالله ناصری طاهری. قم: حوزه و دانشگاه.
- العارف، عارف. (۲۰۰۵). المفصل فی تاریخ القدس. بیروت: المؤسسة العربیة للدراسات والنشر المکزک الرئیسی.
- عاشور، ح. (۱۳۷۳). جهاد مسلمانان در جنگ‌های صلیبی. ترجمه عباس عرب. تهران:

دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

- عباسی، جواد. (تابستان ۱۳۹۰). «تأثیر حکومت‌های ثالث بر مناسبات ایلیخانان و آلتین اردو». مجله مطالعات تاریخ اسلام. شماره ۹. ص ۲۸-۴۸.
- عبدالمهدی، عبدالجلیل حسن. (۱۹۸۱). المدارس فی بیت المقدس فی العصرین الأیوبی والمملوکی، ودورها فی الحركة الفکرية. جلد ۱. اردن: نشر مكتبة الأقصى.
- عزالدین، محمدکمال الدین. (۱۴۱۰). الحركة العلمیه فی مصرفی دوله الممالیک الجراکسه (عوامل ازدهار، مراکزها، سماتها). الطبعة الأولى. بیروت: عام الكتاب.
- العسلی، کامل جمیل. (۱۹۸۱). معاهد العلم فی بیت المقدس. عمان: الطابعون جمعیه عمال المطابع التعاونیه.
- العسلی، کامل جمیل. (۱۹۸۲). من آثارنا فی بیت المقدس. عمان: طبع بدعم من الجامعة الأردنية.
- العلیمی، مجیرالدین حنبلی. (۱۹۹۹). الانس الجلیل بتاريخ القدس والخلیل. الطبعة الأولى. جلد ۲. عمان: مكتبه دندیس.
- العناقره، محمد محمود. (۲۰۲۱). مدارس القدس فی العصر المملوکی. بی جا: بی نا.
- فرهمند، یونس، قدریه تاج بخش. (بهار ۱۳۸۹). «برکه خان و بیبرس: تأثیر عوامل دینی - اقتصادی بر تعمیق روابط تجاری آلتین اردو و ممالیک بحری مصر». فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام و ایران دانشگاه الزهراء. شماره ۵. ص ۸۵-۱۰۳.
- القحطانی، راشد سعد راشد. (۱۹۹۴). اوقاف السلطان الاشرف شعبان علی الحرمین. الرياض: مكتبه الملك فهد الوطنیه.
- القلقشندی، أحمد بن علی بن أحمد الفزازی. (۱۹۲۰). صبح الأعشی فی صناعة الانشا. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- کاتب اصفهانی، عمادالدین محمد بن محمد. (۱۳۰۵). الفتح القسی فی الفتح القدسی. تحقیق و شرح و تقدیم محمد محمود. بیروت: صبح الدار القومیة للطباعة والنشر.
- کردعلی، محمد بن عبدالرزاق بن محمد. (۱۹۸۳). خطط الشام. الطبعة الثالثة. جلد ۶.

دمشق: مکتبه النوری.

- م. ت. هوتسما، آرنولد ت.، باسیت ر.، و هارتمان ر. (۱۹۹۸). موجز دائرة المعارف الإسلامية تحرير. إعداد و تحرير/ إبراهيم زكى خورشيد، أحمد الشنتناوى، عبد الحميد يونس، ترجمة، نخبة من أساتذة الجامعات المصرية والعربية المراجعة والإشراف العلمى: أ. د. حسن حبشى، أ. د. عبدالرحمن عبدالله الشيخ، أ. د. محمد عنانى. الطبعة الأولى. جلد ۴. بی جا: مركز الشارقة للإبداع الفكرى.
- محمدى، مهدى. (۱۴۰۲). «تأثير سپاه اتابكان زنگى بر قواى صلاح الدين ايوبى». مطالعات تاريخى جنگ. (۱)۷: ۴۳-۵۴.
- محمدى، مهدى. (بهار و تابستان ۱۴۰۱). «مقايسه تطبيقى تفاوت‌هاى رفتارى شهى حلب و دمشق در برابر اتابكان زنگى ۴۸۸-۵۴۹». فصلنامه مطالعات تطبيقى تاريخ و فرهنگ اسلام.
- محمدى، مهدى. (۱۴۰۱). «رونڊ زمانى جاىگزىنى حكومت‌هاى نظامى شام از به قدرت رسيدن تتش بن آلپ ارسلان تا به قدرت رسيدن صلاح الدين ايوبى». پژوهش‌هاى تاريخى. ۱۴(۴): ۷۱-۸۶.
- المقريزى، تقى الدين أبى العباس أحمد بن على. (۱۹۹۹). السلوك لمعرفة دول الملوك. تحقيق محمد عبد القادر عطا. جلد ۱. بيروت: دارالكتب العلمية.
- مقريزى، احمد بن على. (۱۴۲۲). المواعظ و الاعتبار فى ذكر الخطط و الآثار. محقق سيدف ايمن فواد. جلد ۳. لندن: مؤسسة الفرقان للتراث الإسلامى.
- النعيمى، عبد القادر بن محمد. (۱۹۸۸). الدراس فى تاريخ المدارس. القاهرة، مصر: مکتبه الثقافه الدينيه.
- النويرى، شهاب الدين أحمد. (بى تا). نهاية الإرب فى فنون الأدب قاهره. جلد ۳۰. المؤسسة المصرية العامة للتأليف والترجمة.
- يعقوب، محمد. (۱۹۹۹). ناحيه القدس الشريف فى القرن العاشر الهجرى. جلد ۲. عمان: البنك الاهلى الاردنى.

- الیونینی، قطب‌الدین أبوالفتح موسی‌بن‌محمد. (۱۹۹۲). ذیل مرآة الزمان. بعناية وزارة التحقيقات الحکمیة والأمر الثقافیة للحکومة الهندیة. الطبعة الثانية. القاهرة: دارالکتاب الإسلامی.
- B ROADBRIDGE, A NNE F. (2001). Mamluk Legitimacy and the Mongols.
- Allsen, Thomas T. (1996). "Biography of a Cultural Broker, Bolad Ch'eng-Hsiang in China and Iran," in *The Court of the Il-khans, 1290-1340*, ed. Julian Raby and Teresa Fitzherbert, Oxford: Oxford University Press.
- Heidemann, Stefan. (1994). *as Aleppiner Kalifat (A.D. 1261): Vom Ende Des Kalifats in Bagdad Über Aleppo Zu Den Restaurationen in Kair.*
- Mohamadi, M., Khakrand, S., & Tajik, A. (2023). "Grounds of the Religious Convergence in Aleppo in the Early Crusades: The Role of Imami Judges." *Islamic Inquiries*, 2(1): 59-74. doi: 10.22034/is.2023.284885.1028
- TALHAMY, Y. (2010). "The Fatwas and the Nusayri/Alawis of Syria. *Middle Eastern Studies*." 46(2): 175-194. <http://www.jstor.org/stable/20720657>
- *The Reigns of Baybars and Qalawun*, the university of Chicago.
- Welch, Anthony. (1985). "The Arts of the Book," in *Treasures of Islam*, Museum of Art History. Geneva: Sotheby's/Philip Wilson Publishing,
- Wilferd Madelung. (1995). "A Treatise on the Imamate Dedicated to Sultan Baybars I," In *Proceedings of the 14th Congress of the Union Européenne des Arabisants et Islamisants*, ed. A. Fodor. Budapest: 1Vol, 91-102.